

**بررسی نسبت‌های تحلیلی
در قوانین و لایحه بودجه عمومی
طی دو دهه گذشته**



معاونت بررسی‌های اقتصادی

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران



تهیه و تنظیم: محمود نصیری

معاونت بررسی‌های اقتصادی

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

موضوع این گزارش، الزامات موضوع اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران نیست.

دی ۱۴۰۲

استفاده از مطالب این گزارش با ذکر منبع بلامانع است.



فهرست مطالب

خلاصه مدیریتی.....	۴
۱. مقدمه.....	۷
۲. روند بودجه عمومی دولت.....	۷
۳. ناترازی های بودجه.....	۱۱
۴. نسبت های تحلیلی بودجه.....	۱۳
۱.۴. نسبت درآمدها به پرداخت های هزینه ای.....	۱۳
۲.۴. نسبت تملک دارایی های سرمایه ای به فروش نفت خام.....	۱۴
۳.۴. نسبت تملک دارایی های سرمایه ای به پرداخت های هزینه ای.....	۱۴
۴.۴. نسبت مجموع درآمدها و واگذاری دارایی های سرمایه ای به مجموع پرداخت های هزینه ای و تملک دارایی های سرمایه ای.....	۱۵
۵.۴. سهم درآمدهای مالیاتی از منابع عمومی بودجه دولت.....	۱۶
۶.۴. نسبت مالیات ها به پرداخت های هزینه ای.....	۱۷
۷.۴. نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی.....	۱۸
۸.۴. سهم مالیات بر ارزش افزوده از کل درآمدهای مالیاتی.....	۱۸
۹.۴. فروش نفت خام به مجموع پرداخت های هزینه ای و تملک دارایی های سرمایه ای.....	۱۹
۱۰.۴. جمع بندی.....	۲۰

خلاصه مدیریتی

بودجه عمومی کشور به عنوان یکی از مهمترین اسناد اقتصادی و مالی معین می‌کند که دولت چه منابعی از کشور و چه مقدار از این منابع را در کجا و برای چه اهدافی هزینه کند. بر این اساس، در این گزارش ضمن بررسی روند بودجه عمومی و منابع و مصارف آن در طول دو دهه گذشته، از نسبت‌هایی برای تحلیل وضعیت استفاده شده که نتایج زیر حاصل شده است. شایان ذکر است این گزارش، عملکرد بودجه عمومی را دربر نمی‌گیرد و صرفاً اجزای اصلی تراز عملیاتی در قوانین و لایحه بودجه^۱ را مورد بررسی قرار داده است.

- بودجه عمومی کشور در طول دو دهه گذشته روند افزایشی داشته و به خصوص در چهار سال گذشته این روند با جهش‌هایی بزرگ همراه بوده که هم متأثر از متغیرهای اقتصاد کلان همچون نرخ تورم بوده و هم بر این متغیرها تاثیر گذاشته است. روند رشد واقعی بودجه نیز نشان‌دهنده نوسانات شدید در طول سال‌های مورد بررسی است. نکته قابل توجه در این خصوص جهش‌های بسیار بالای رشد واقعی بودجه در سال‌های پایانی ۱۳۹۱ و ۱۳۹۵ است.
- در طول دو دهه گذشته، از یک طرف رشد درآمدهای دولت افزایش پیدا کرده که عمدتاً از طریق افزایش مالیات بوده و از سوی دیگر رشد واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای که عمدتاً مبتنی بر فروش نفت خام است و همچنین واگذاری دارایی‌های مالی که مبتنی بر فروش اوراق مالی و اسلامی است، پرنوسان و اغلب با جهش‌های مثبت و بزرگ همراه بوده است. جهش واگذاری‌های دارایی‌های سرمایه‌ای در سال‌های اخیر به معنای استفاده از منابع حاصل از فروش نفت در بودجه و جهش واگذاری دارایی‌های مالی به معنای افزایش حجم انتشار اوراق یا استقراض بیشتر و به معنای استفاده از منابع آیندگان و بار مالی بیشتر دولت در سال‌های آتی خواهد بود.
- روند رشد تملک دارایی‌های سرمایه‌ای یا بودجه عمرانی نزدیک به صفر و حتی در سال‌های اخیر کاهش یافته است. در حالی که مخارج سرمایه‌گذاری دولت به عنوان موتور محرک رشدهای آتی در شرایط رکود اقتصادی یکی از وظایف مهم و کارکردهای الزام‌آور در بودجه است، در بودجه سال‌های اخیر برای رقم تملک دارایی‌های سرمایه‌ای رشد قابل توجهی پیش‌بینی نشده است و این موضوع چشم‌انداز مطلوبی از سرمایه‌گذاری در کشور ارائه نمی‌دهد.
- رشد مصارف بودجه عمومی دولت بخصوص در بخش تملک دارایی‌های مالی که به معنای انتشار اوراق برای تامین منابع بودجه است، بسیار پرنوسان و در برخی از سال‌ها با جهش‌های شدیدی همراه بوده است.
- تراز عملیاتی شاخصی برای کیفیت تأمین منابع مالی برای پرداخت هزینه‌های جاری دولت است و کسری آن بدین معناست که دولت نمی‌تواند هزینه‌های جاری خود را از قسمت درآمدها جبران کند. این ناترازی در طی دو دهه گذشته بخصوص در پایان سال ۱۳۹۹ و ۱۴۰۳ (لایحه بودجه) بسیار زیاد بوده است.
- خالص دارایی‌های سرمایه‌ای در طول سال‌های گذشته مثبت بوده و بخصوص در انتهای سال ۱۳۹۹ با جهش‌های بسیار بزرگی همراه بوده است که نشان می‌دهد فروش دارایی‌های سرمایه‌ای بخصوص فرآورده‌های نفتی صرف بودجه عمرانی نمی‌شود و به جای آن کسری تراز عملیاتی را پوشش می‌دهد که عمدتاً برای تأمین هزینه‌های جاری استفاده

^۱ برای سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۲ از اطلاعات قانون بودجه و برای سال ۱۴۰۳ از اطلاعات اولین لایحه بودجه تقدیمی به مجلس در سال ۱۴۰۲ استفاده شده است.

می شود. همچنین مثبت بودن خالص دارایی های مالی نشان می دهد که استقراض از طریق فروش اوراق نیز برای جبران کسری تراز عملیاتی استفاده می شود.

- شاخص نسبت درآمدها به پرداخت های هزینه ای (هزینه های جاری) نشان دهنده میزان پوشش هزینه های جاری از طریق درآمدهای جاری است که در واقع کاهش وابستگی به درآمدهای نفت و گاز و درآمدهای حاصل از واگذاری دارایی های مالی را نشان می دهد. این نسبت در طول دو دهه گذشته گویای این واقعیت است که درآمدهای دولت همواره کمتر از هزینه های جاری بوده است و از این رو برای تامین هزینه های جاری به درآمدهای نفت و گاز و انتشار اوراق وابسته بوده است.

- شاخص نسبت تملک دارایی های سرمایه ای به فروش نفت خام نشان دهنده رویکرد دولت در هزینه کرد درآمدهای نفتی در پروژه های عمرانی است.

- شاخص نسبت تملک دارایی های سرمایه ای به پرداخت های هزینه ای به معنای رویکرد دولت در توجه بیشتر به هزینه های عمرانی نسبت به هزینه های جاری است. این نسبت در طول سال های گذشته همواره کاهش یافته بوده که می تواند عوارض بلند مدتی در کمیت و کیفیت پروژه های عمرانی داشته باشد.

- شاخص نسبت مجموع درآمدها و واگذاری دارایی های سرمایه ای به مجموع پرداخت های هزینه ای و تملک دارایی های سرمایه ای، پوشش دهی بخش قابل ملاحظه ای از هزینه های جاری و هزینه های عمرانی را از طریق درآمدهای مالیاتی و درآمدهای نفتی نشان می دهد. در واقع، این شاخص وابستگی بودجه عمومی دولت به انتشار اوراق را نشان می دهد که در طول سال های گذشته این وابستگی افزایش پیدا کرده است.

- شاخص سهم درآمدهای مالیاتی از منابع عمومی بودجه دولت، اولویت دهی بیشتر دولت به درآمدهای مالیاتی برای تامین بودجه عمومی را نشان می دهد. این سهم در طول سال های مورد بررسی با افزایش همراه بوده است. با این حال به دلیل اینکه سهم زیادی از تولید ناخالص داخلی ایران معاف از مالیات است بررسی این موضوع بسیار حائز اهمیت است که افزایش درآمدهای مالیاتی از چه بخش ها و گروه هایی از جامعه اخذ می شود چرا که در صورت عادلانه نبودن نرخ و پایه مالیاتی، افزایش درآمدهای مالیاتی می تواند به افزایش ضریب جینی منجر شود و نه تنها باعث توسعه کشور نمی شود، بلکه ضد توسعه نیز خواهد بود.

- شاخص نسبت مالیات ها به پرداخت های هزینه ای به دلیل اثرپذیری کمتر از متغیرهای برونزا، سنجش بهتری از عملکرد بودجه ای دولت است (درآمدهای مالیاتی از کل منابع بودجه متأثر از عوامل برونزای اثرگذار بر درآمدهای نفتی (مانند نوسانات قیمتی و یا تحریم ها) نیز هست). این نسبت در چند سال گذشته با افزایش همراه بوده است.

- شاخص نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی به جهت نمایان کردن پتانسیل وضع مالیات در ارتباط با اقتصاد، تصویری سودمند از درآمد مالیاتی یک کشور فراهم می کند. در طول دو دهه گذشته این نسبت برای اقتصاد ایران حدود ۶ درصد بوده است؛ میانگین این نسبت برای اقتصادهای در حال توسعه و نوظهور ۱۵ درصد و برای اقتصادهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، حدود ۳۴ درصد است.



- شاخص سهم مالیات بر ارزش افزوده از کل درآمدهای مالیاتی با اثرات سوء اقتصادی کمتر (اثرات قیمتی و توزیعی) در مقایسه با سایر مالیات‌های غیرمستقیم و در عین حال اثرات درآمدی بالا به دلیل گسترده بودن پایه این نوع مالیات، بدون تردید می‌تواند به عنوان منبع اصلی درآمد دولت‌ها محسوب شود. این نسبت علیرغم روند افزایشی طی دو دهه گذشته، در چهار سال گذشته کاهش یافته است.
- شاخص فروش نفت خام به مجموع پرداخت‌های هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای وابستگی هزینه‌های جاری و عمرانی دولت‌ها به درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام را نشان می‌دهد. همچنین در سال ۱۳۹۸ و سال‌های پس از آن، کاهش این وابستگی به خاطر تحریم‌ها و کاهش صادرات نفت اتفاق افتاده است.

۱. مقدمه

بودجه عمومی از مهمترین اسناد مالی و اقتصادی هر کشور و دولت، اداره عمومی کشور و سطح کلان اقتصادی را مد نظر قرار میدهد. بودجه هر دولت، حساب دخل و خرج آن برای اداره کشور است؛ معین می کند دولت چه منابعی از کشور و چه مقدار از این منابع را در کجا و برای چه اهدافی هزینه خواهد کرد. این موضوع بخصوص در شرایط بی ثباتی اقتصادی از مهمترین مسائل برای هر دولت است تا بتواند برنامه های خود را با کمترین انحراف بودجه محقق نماید. در واقع می توان گفت بودجه هم از وضعیت موجود یعنی متغیرهای اقتصاد کلان مثل رشد اقتصادی، تورم و ... اثر می پذیرد و هم بر آنها اثر می گذارد و از این رو بررسی بودجه بسیار حائز اهمیت است.

دولت وظایف مهمی را بر عهده دارد که رسیدگی به آنها نیازمند صرف حجم قابل توجهی از منابع است. این در حالی است که کنترل کسری بودجه و تورم، دولت را در مضیقه قرار می دهد. در این وضعیت، افزایش منابع پایدار و مدیریت مصارف از مهمترین اقداماتی است که هر دولتی باید مدنظر قرار دهد.

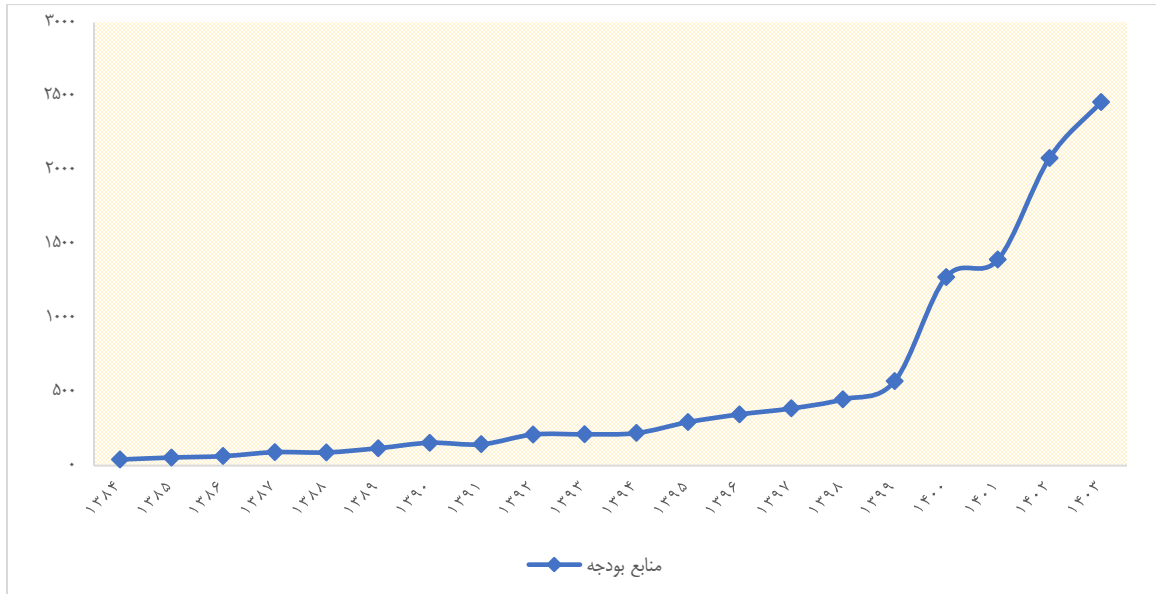
در این گزارش، ضمن بررسی روند بودجه عمومی و منابع و مصارف آن در طول دو دهه گذشته، از شاخص هایی برای تحلیل وضعیت استفاده می شود.

۲. روند بودجه عمومی دولت

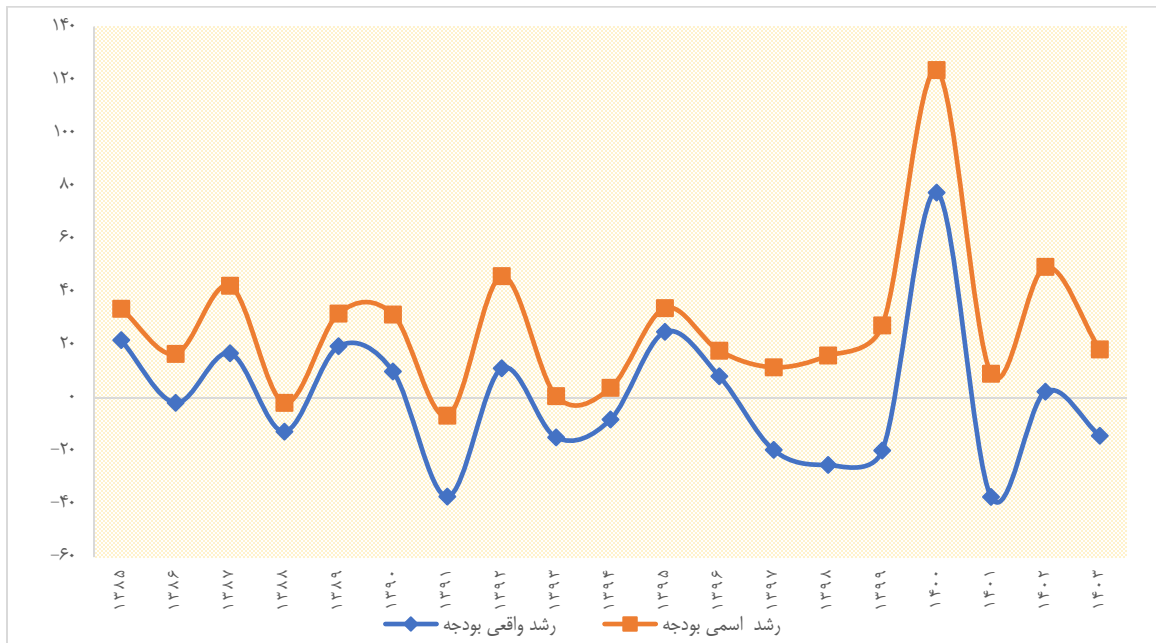
همانطور که در نمودارهای (۱) و (۲) مشخص شده است، بودجه عمومی کشور در طول دو دهه گذشته روند افزایشی داشته است، بخصوص در ۴ سال گذشته این روند با جهش های بزرگی همراه بوده است که هم متأثر از نرخ تورم بوده است و هم بر آن تاثیر گذاشته است. بیشترین جهش بودجه در سال ۱۳۹۹ اتفاق افتاده و این افزایش شدید در سال های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ ادامه داشته است. با این حال، رشد واقعی بودجه نشان دهنده نوسانات شدید در طول سال های متمادی بوده است. در سال های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۵، رشد واقعی بودجه نیز با جهش های بسیار بالایی همراه بوده است. همچنین در لایحه بودجه ۱۴۰۳، با توجه به کاهش رشد واقعی بودجه، به نظر می رسد که دولت با هدف کنترل تورم، سیاست انقباض بودجه ای را دنبال کرده است.

^۲ برای سال های ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۲ از اطلاعات قانون بودجه و برای سال ۱۴۰۳ از اطلاعات لایحه بودجه استفاده شده است.

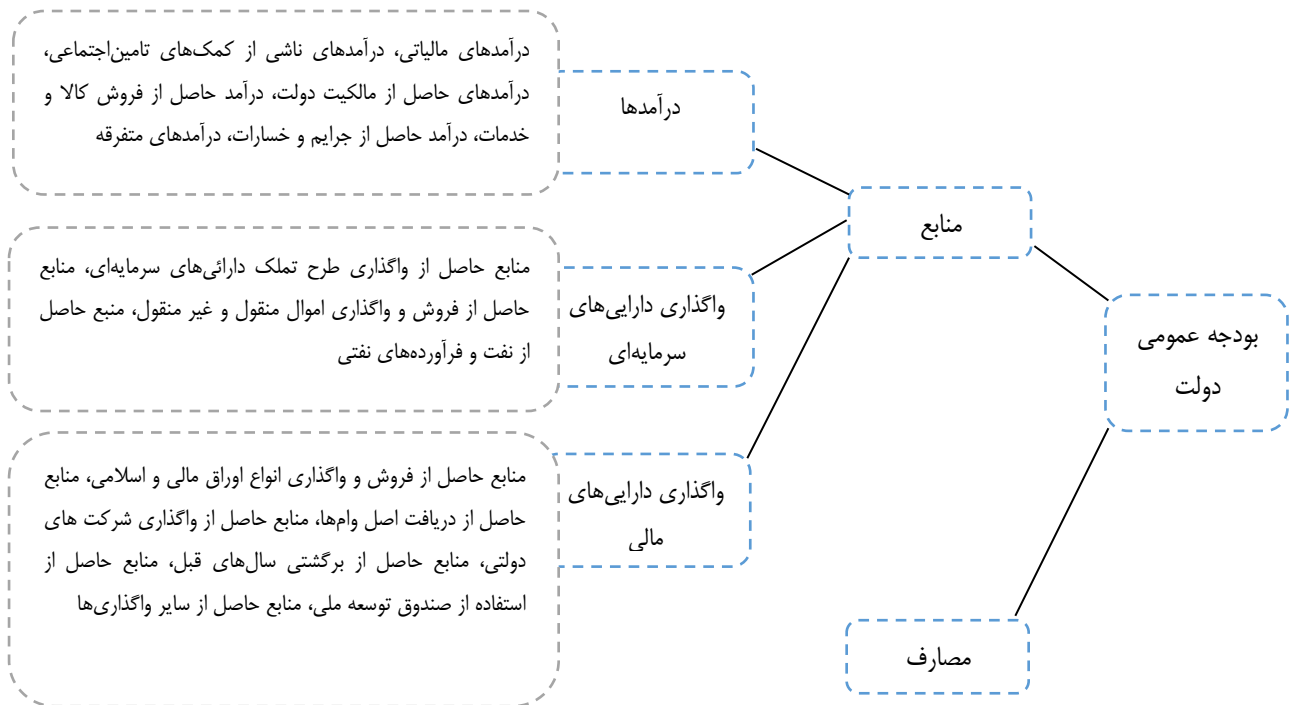
نمودار شماره ۱- روند منابع/مصارف بودجه عمومی دولت (هزار میلیارد تومان)



نمودار شماره ۲- نرخ رشد اسمی و واقعی سالانه بودجه عمومی دولت (درصد)

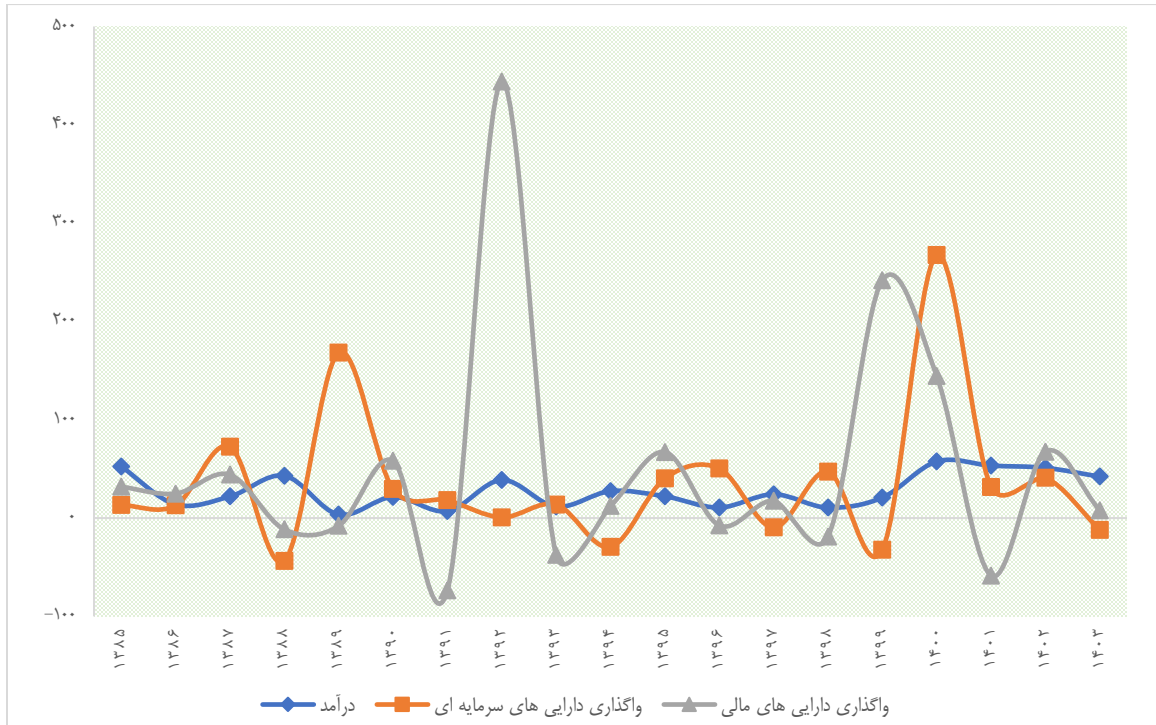


بودجه عمومی دولت شامل منابع و مصارف است. منابع بودجه عمومی دولت به سه دسته کلی تقسیم بندی می شوند:

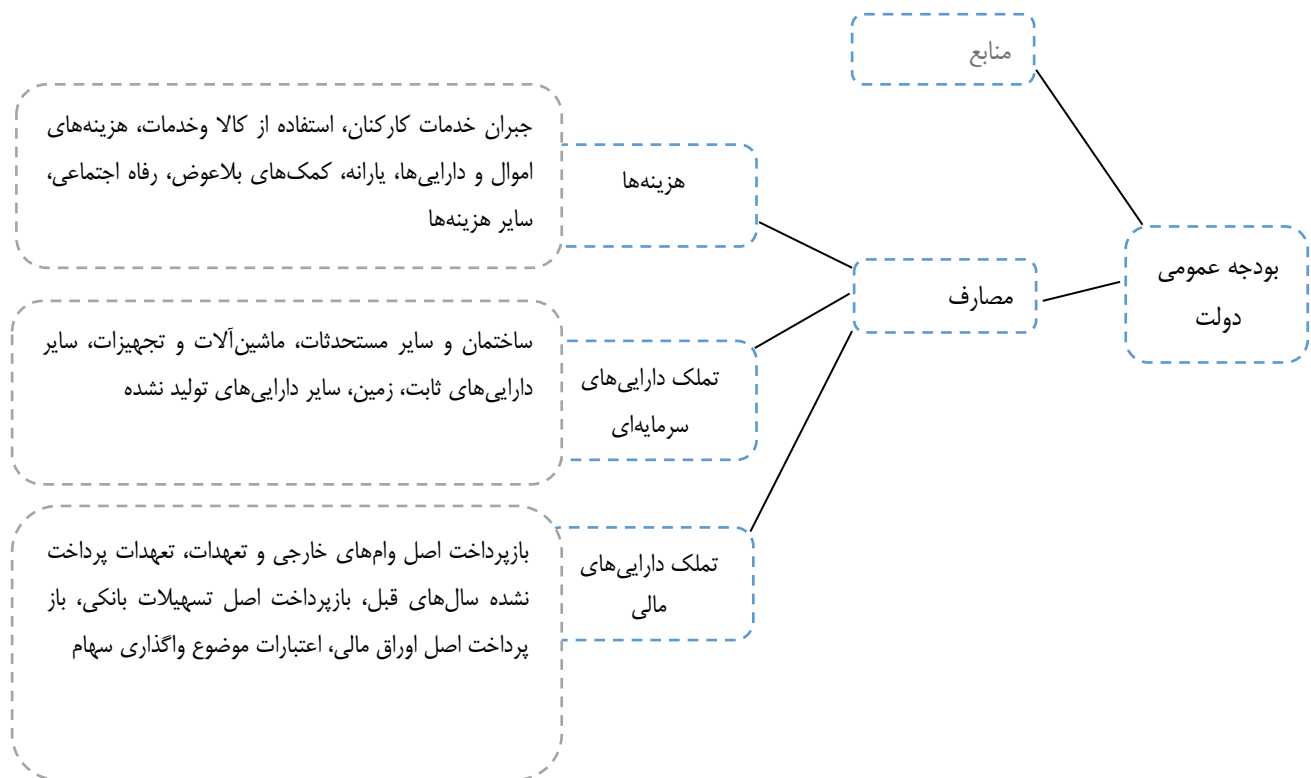


نمودار (۳) رشد منابع بودجه عمومی دولت را نشان می دهد. طی سال های گذشته، از یک طرف رشد درآمدهای دولت افزایش پیدا کرده که عمدتاً از طریق افزایش مالیات بوده است. از سوی دیگر، رشد واگذاری دارایی های سرمایه ای که عمدتاً مبتنی بر فروش نفت بوده و همچنین واگذاری دارایی های مالی که مبتنی بر فروش اوراق مالی و اسلامی است، پرنوسان و اغلب با جهش های مثبت همراه بوده است. جهش واگذاری های دارایی های سرمایه ای در سال های اخیر به معنای استفاده از منابع حاصل از فروش نفت در بودجه و جهش واگذاری دارایی های مالی به معنای افزایش حجم انتشار اوراق یا استقراض بیشتر و به معنای استفاده از منابع آیندگان و بار مالی بیشتر دولت در سال های آتی خواهد بود.

نمودار شماره ۳- نرخ رشد سالانه منابع بودجه عمومی دولت



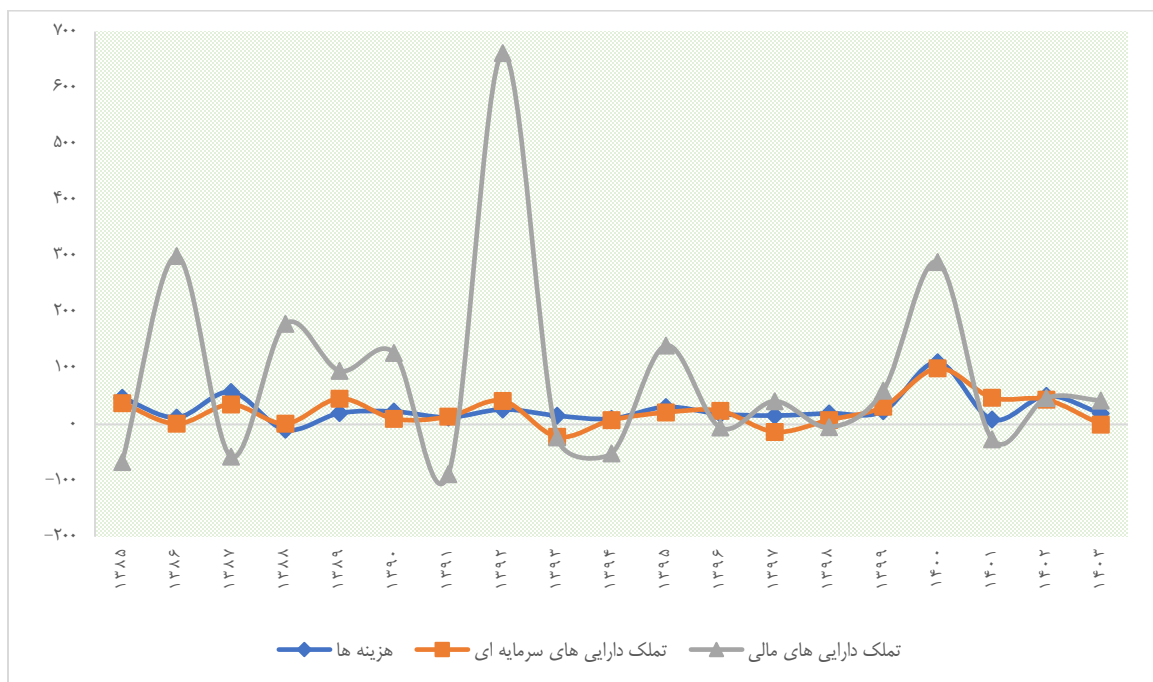
همچنین مصارف بودجه عمومی دولت به سه دسته کلی تقسیم بندی می شوند:



بر اساس نمودار (۴) رشد تملک دارایی‌های سرمایه‌ای نزدیک به صفر و حتی در سال‌های اخیر کاهش یافته است. تملک دارایی‌های سرمایه‌ای معادل مخارج دولت برای سرمایه‌گذاری بر روی زیرساخت‌هاست که به آن بودجه عمرانی نیز گفته می‌شود. در حالی که مخارج سرمایه‌گذاری دولت به عنوان موتور محرک رشدهای آتی در شرایط رکود اقتصادی یکی از وظایف مهم و کارکردهای الزام‌آور در بودجه است، در بودجه سال‌های اخیر برای رقم تملک دارایی‌های سرمایه‌ای رشد قابل توجهی پیش‌بینی نشده است و این موضوع چشم‌انداز مطلوبی از سرمایه‌گذاری در کشور ارائه نمی‌دهد.

همچنین رشد مصارف بودجه عمومی دولت بخصوص در بخش تملک دارایی‌های مالی بسیار پر نوسان و در برخی از سال‌ها با جهش‌های شدیدی همراه بوده است. تملک دارایی‌های مالی به مفهوم بازپرداخت اصل بدهی‌های دولت است و نشان دهنده انتشار بسیار زیاد اوراق برای تامین منابع بودجه بوده است.

نمودار شماره ۴- نرخ رشد سالانه مصارف بودجه عمومی دولت

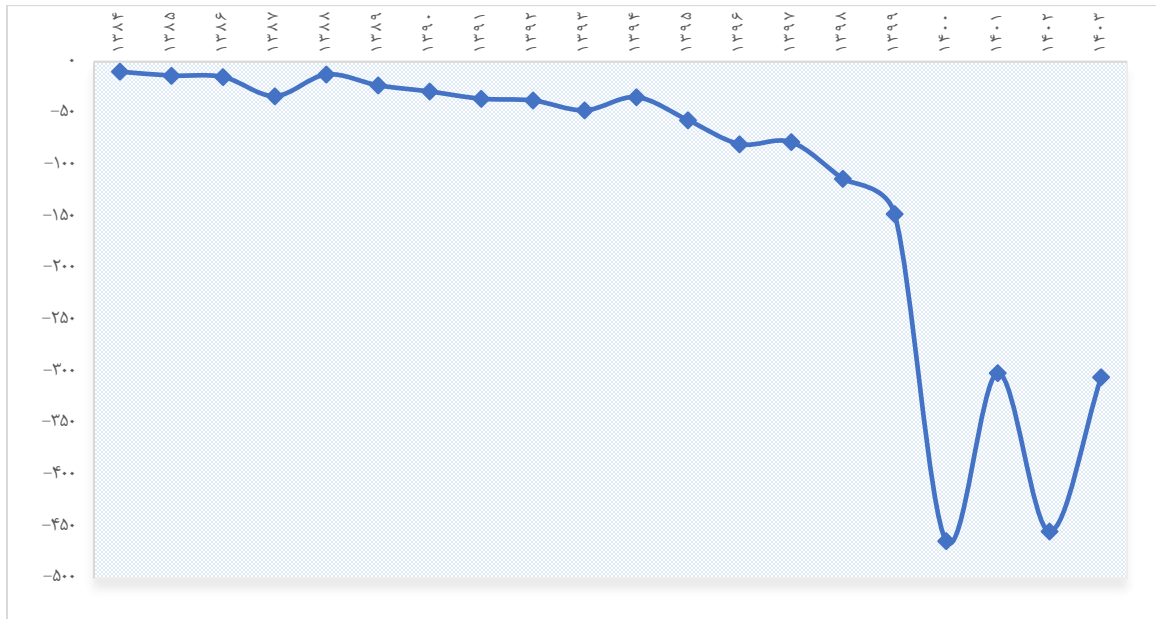


۳. ناترازی‌های بودجه

تراز عملیاتی، به نوعی وابستگی دولت به درآمدهای سرمایه‌ای از قبیل نفت و گاز و درآمدهای مالی است. منفی بودن این تراز بدین معناست که دولت نمی‌تواند اعتبار هزینه‌ای خود را از قسمت درآمدها جبران کند. این کسری همچنین نشان می‌دهد که دولت ناچار است به استقراض یا فروش دارایی‌ها بپردازد و از آنجا که این شیوه تأمین مالی در طولانی مدت قابل تداوم نیست، کسری تراز عملیاتی شاخصی برای کیفیت تأمین منابع مالی برای پرداخت هزینه‌های جاری دولت است. نمودار

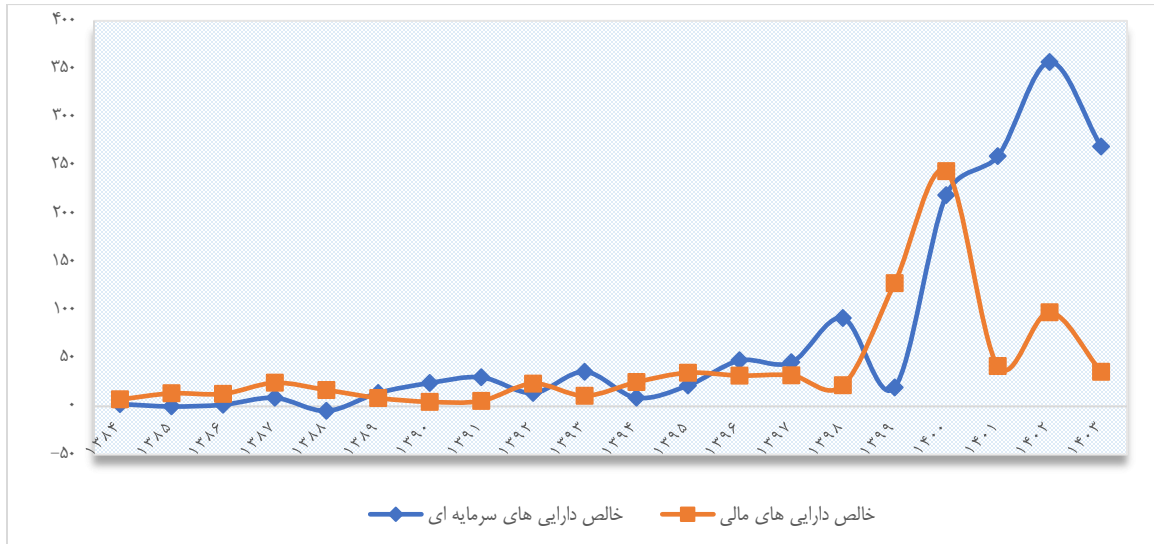
(۵) این ناترازی را در طی دو دهه گذشته نشان می دهد. این اختلاف در هزینه های جاری و درآمدها بخصوص در سال های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۳ (لایحه بودجه) بسیار زیاد بوده است.

نمودار شماره ۵- تراز عملیاتی بودجه عمومی دولت (هزار میلیارد تومان)



بر اساس نمودار (۶) خالص دارایی های سرمایه ای در طول سال های گذشته مثبت بوده و بخصوص در پایان سال ۱۳۹۹ و ۱۴۰۳ (لایحه بودجه) با جهش های بسیار بزرگی همراه بوده است که نشان می دهد فروش دارایی های سرمایه ای بخصوص فرآورده های نفتی صرف بودجه عمرانی نمی شود و به جای آن کسری تراز عملیاتی را پوشش می دهد که عمدتاً برای تامین هزینه های جاری استفاده می شود. همچنین مثبت بودن خالص دارایی های مالی نشان می دهد که استقراض از طریق فروش اوراق نیز برای جبران کسری تراز عملیاتی استفاده می شود.

نمودار شماره ۶- خالص دارایی های سرمایه ای و مالی بودجه عمومی دولت (هزار میلیارد تومان)

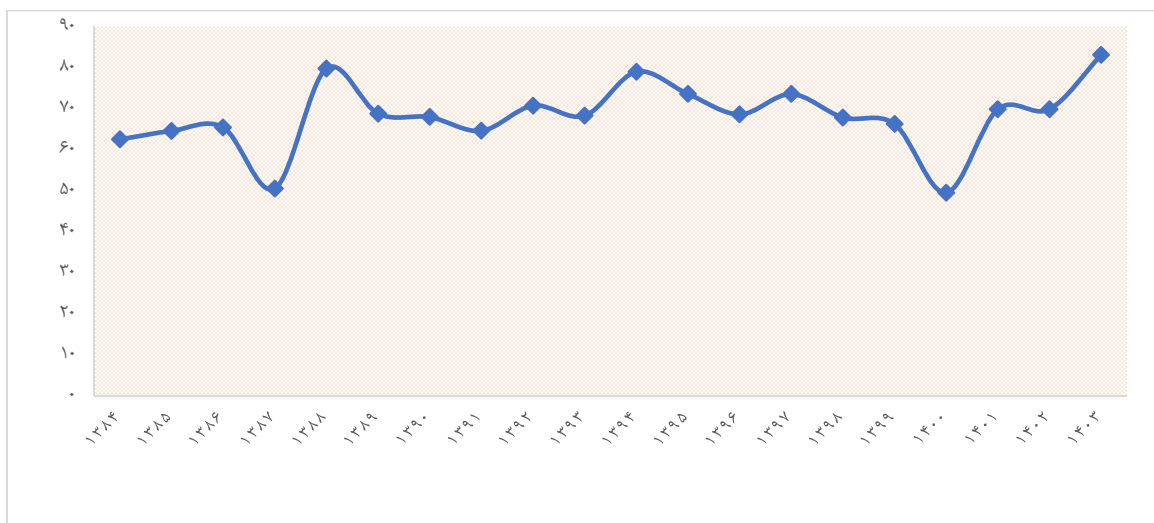


۴. نسبت های تحلیلی بودجه

۴.۱. نسبت درآمدها به پرداخت های هزینه ای

نسبت درآمدها به پرداخت های هزینه ای نشان دهنده میزان پوشش هزینه های جاری از طریق درآمدهای جاری است که در واقع کاهش وابستگی به درآمدهای نفت و گاز و درآمدهای حاصل از واگذاری دارایی های مالی را نشان می دهد. این نسبت در طول دو دهه گذشته گویای این واقعیت است که درآمدهای دولت همواره کمتر از هزینه های جاری بوده است و از این رو برای تامین هزینه های جاری به درآمدهای نفت و گاز و انتشار اوراق وابسته بوده است. این نسبت از سال ۱۴۰۱ با افزایش همراه بوده که عمدتاً از افزایش سهم درآمدهای مالیاتی است.

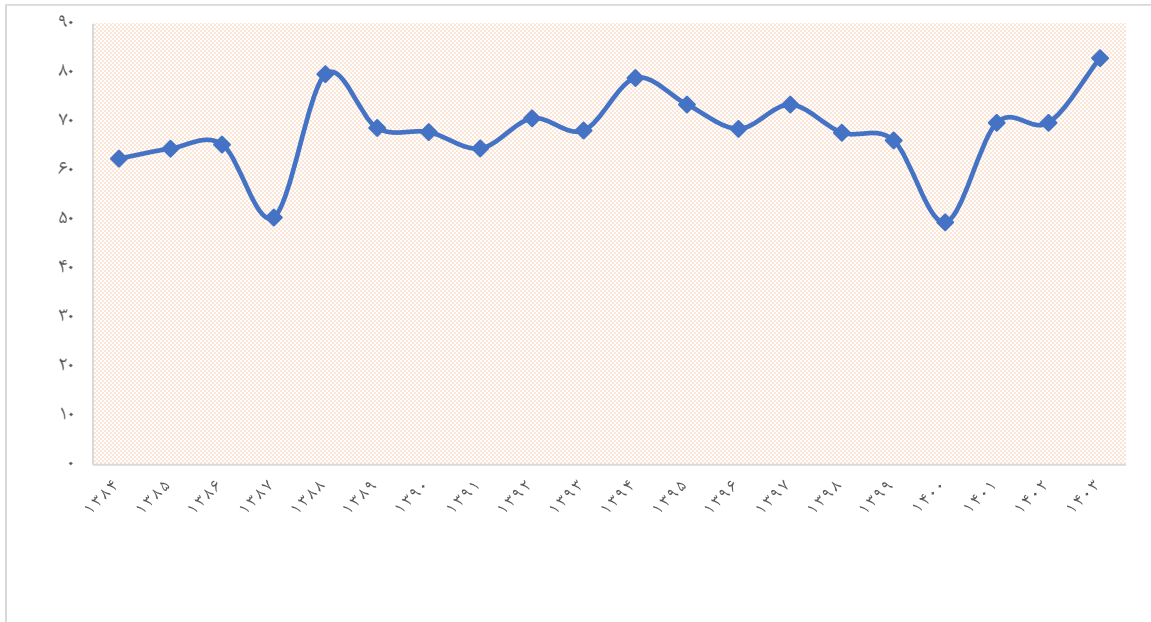
نمودار شماره ۷- نسبت درآمدها به پرداخت های هزینه ای



۲.۴. نسبت تملک دارایی های سرمایه ای به فروش نفت خام

این نسبت نشان دهنده رویکرد دولت در هزینه کرد درآمدهای نفتی در پروژه های عمرانی است. گرچه در اواخر سال ۱۴۰۰ این نسبت کاهش پیدا کرد اما مجدداً با افزایش همراه شده است.

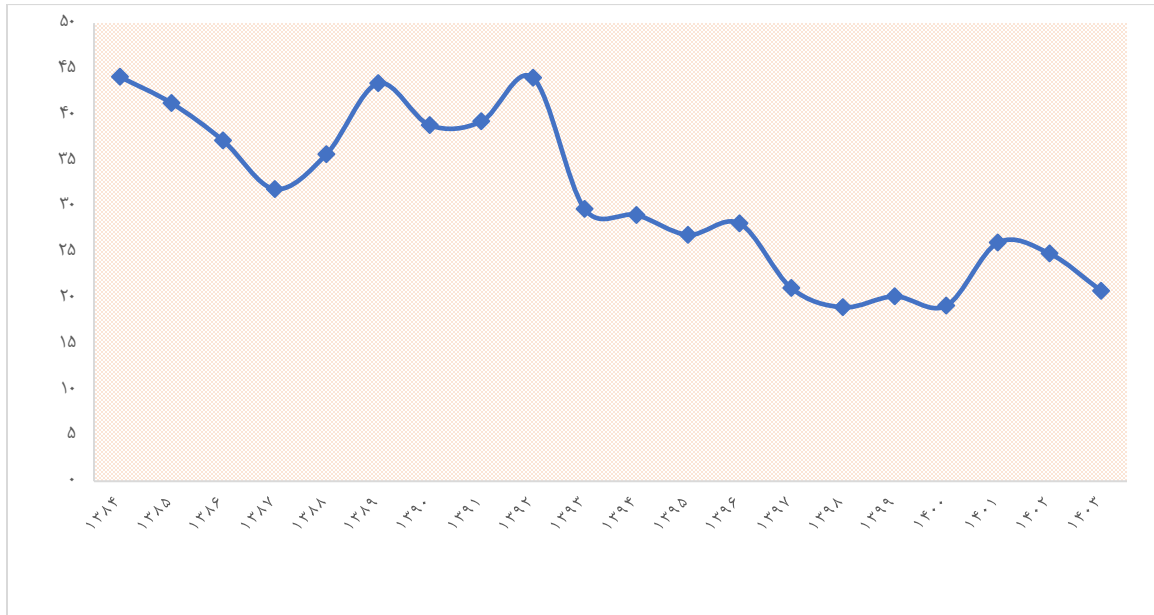
نمودار شماره ۸- نسبت تملک دارایی های سرمایه ای به فروش نفت خام



۳.۴. نسبت تملک دارایی های سرمایه ای به پرداخت های هزینه ای

نمودار (۹) نسبت تملک دارایی های سرمایه ای به پرداخت های هزینه ای را نشان می دهد که به معنای رویکرد دولت در توجه بیشتر به هزینه های عمرانی نسبت به هزینه های جاری است. این نسبت در اکثر سال های مورد بررسی کاهش یافته که عوارض بلند مدتی در کمیت و کیفیت پروژه های عمرانی خواهد داشت. در واقع، با کاهش فعالیت های عمرانی رکود اقتصادی و بیکاری تشدید خواهند شد.

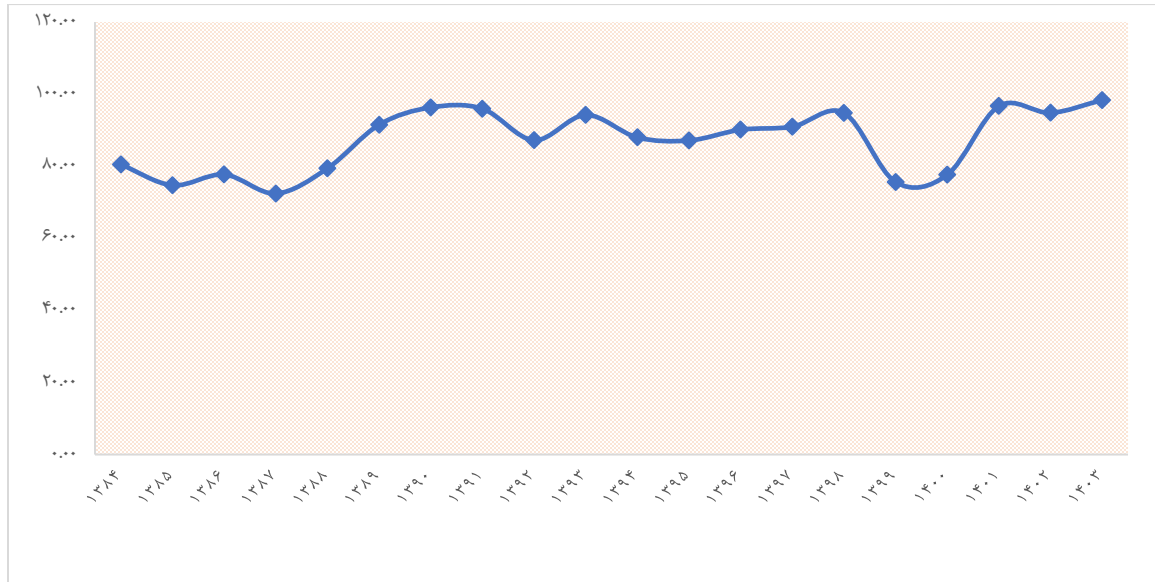
نمودار شماره ۹- نسبت تملک دارایی های سرمایه ای به پرداخت های هزینه ای



۴.۴. نسبت مجموع درآمدها و واگذاری دارایی های سرمایه ای به مجموع پرداخت های هزینه ای و تملک دارایی های سرمایه ای

نمودار (۱۰) گویای نسبت مجموع درآمدها و واگذاری دارایی های سرمایه ای به مجموع پرداخت های هزینه ای و تملک دارایی های سرمایه ای است که پوشش دهی بخش قابل ملاحظه ای از هزینه های جاری و هزینه های عمرانی از طریق درآمدهای مالیاتی و درآمدهای نفتی است. در واقع این موضوع وابستگی بودجه عمومی دولت به انتشار اوراق را نشان می دهد که در طول سال های گذشته این وابستگی افزایش پیدا کرده است.

نمودار ۱۰- نسبت مجموع درآمدها و واگذاری دارایی های سرمایه ای به مجموع پرداختهای هزینه ای و تملک دارایی های سرمایه ای

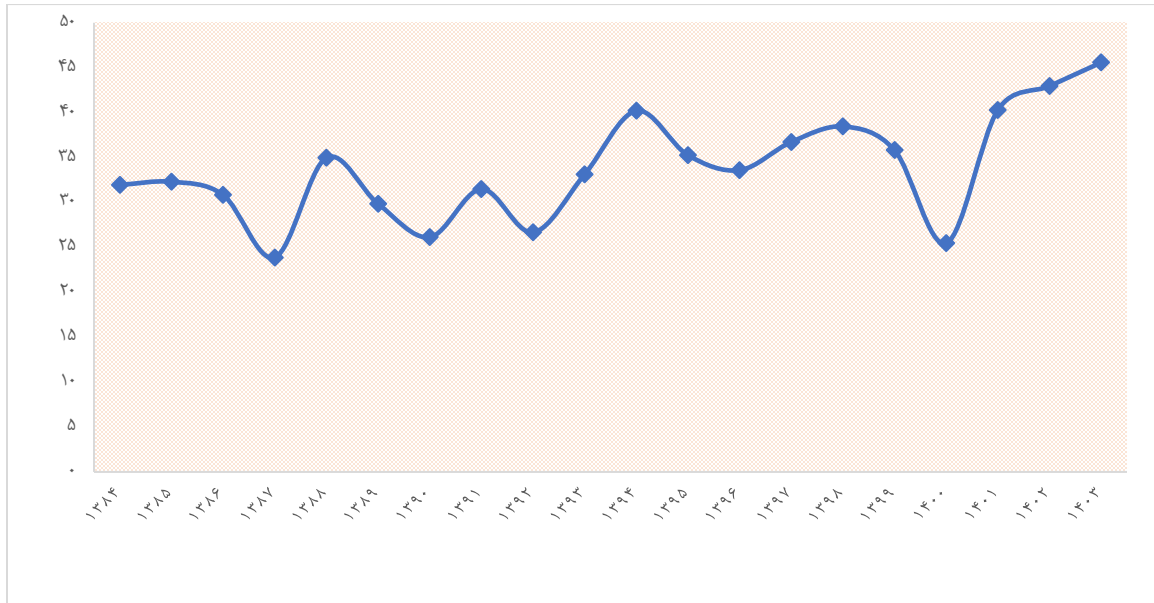


۵.۴. سهم درآمدهای مالیاتی از منابع عمومی بودجه دولت

نمودار (۱۱) سهم درآمدهای مالیاتی از منابع عمومی بودجه دولت که اولویت دهی بیشتر دولت به درآمدهای مالیاتی برای تامین بودجه عمومی است را نشان می دهد. این سهم در طول سالها افزایش داشته و بخصوص طی سالهای ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۳ (لایحه بودجه) این تغییرات چشمگیر است. با این حال، به دلیل اینکه سهم زیادی از تولید ناخالص داخلی ایران معاف از مالیات بوده^۳ بررسی این موضوع بسیار حائز اهمیت است که افزایش درآمدهای مالیاتی از چه بخشها و گروههایی از جامعه اخذ می شود چرا که در صورت عادلانه نبودن نرخ و پایه مالیاتی، افزایش درآمدهای مالیاتی می تواند به افزایش ضریب جینی منجر شود و نه تنها باعث توسعه کشور نمی شود بلکه ضد توسعه نیز خواهد بود.

³ <https://www.farsnews.ir/news/14010922000477/40-%D8%AF%D8%B1%D8%B5%D8%AF-%D8%AA%D9%88%D9%84%DB%8C%D8%AF-%D9%86%D8%A7%D8%AE%D8%A7%D9%84%D8%B5-%D8%AF%D8%A7%D8%AE%D9%84%DB%8C-%DA%A9%D8%B4%D9%88%D8%B1-%D9%85%D8%B9%D8%A7%D9%81-%D8%A7%D8%B2-%D9%85%D8%A7%D9%84%DB%8C%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D8%B3%D8%AA-%D8%A8%D8%B1-%D8%A2%D9%88%D8%B1%D8%AF-%D9%81%D8%B1%D8%A7%D8%B1>

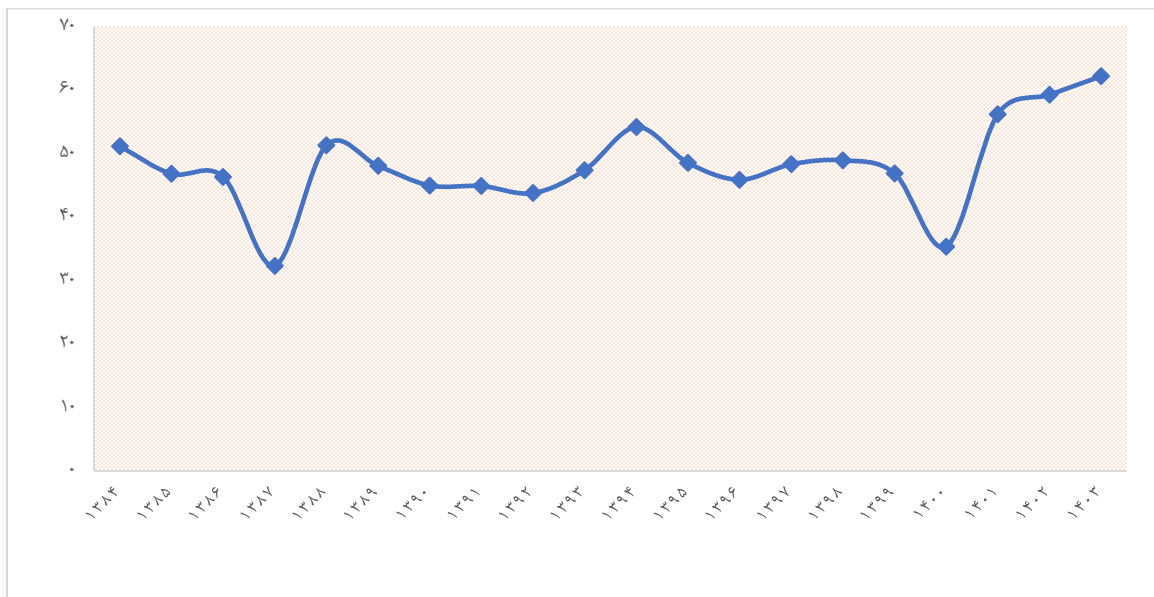
نمودار شماره ۱۱- سهم درآمدهای مالیاتی از منابع عمومی بودجه دولت



۶.۴. نسبت مالیات‌ها به پرداخت‌های هزینه‌ای

نمودار (۱۲) نسبت مالیات‌ها به پرداخت‌های هزینه‌ای را نشان می‌دهد. این نسبت به دلیل اثرپذیری کمتر از متغیرهای برونزا، سنجش بهتری از عملکرد بودجه‌ای دولت است (درآمدهای مالیاتی از کل منابع بودجه متأثر از عوامل برونزای اثرگذار بر درآمدهای نفتی (مانند نوسانات قیمتی و یا تحریمها) نیز هست). این نسبت در چند سال گذشته با افزایش همراه بوده است.

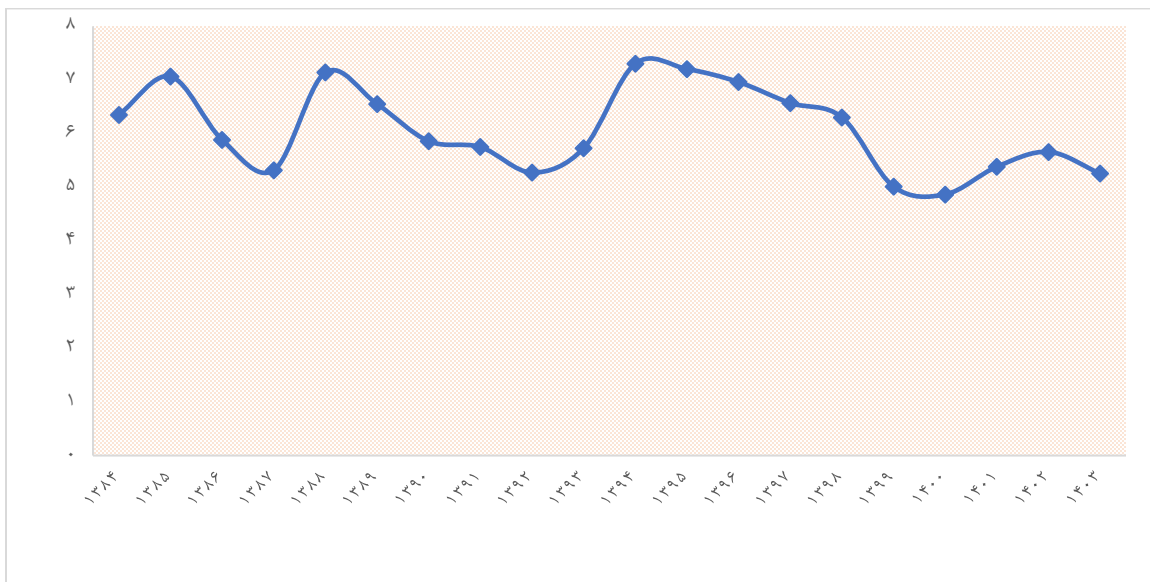
نمودار شماره ۱۲- نسبت مالیات‌ها به پرداخت‌های هزینه‌ای



۷.۴. نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی

این نسبت به جهت نمایان کردن پتانسیل وضع مالیات در ارتباط با اقتصاد، تصویری سودمند از درآمد مالیاتی یک کشور فراهم می‌کند. میانگین این نسبت برای اقتصادهای در حال توسعه و نوظهور ۱۵ درصد و برای اقتصادهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۴، حدود ۳۴ درصد است. بر اساس نمودار (۱۳) این نسبت برای اقتصاد ایران در حدود ۶ درصد بوده است. شایان ذکر است، اوج این نسبت در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۹۴ بوده است.

نمودار شماره ۱۳-نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی^۵



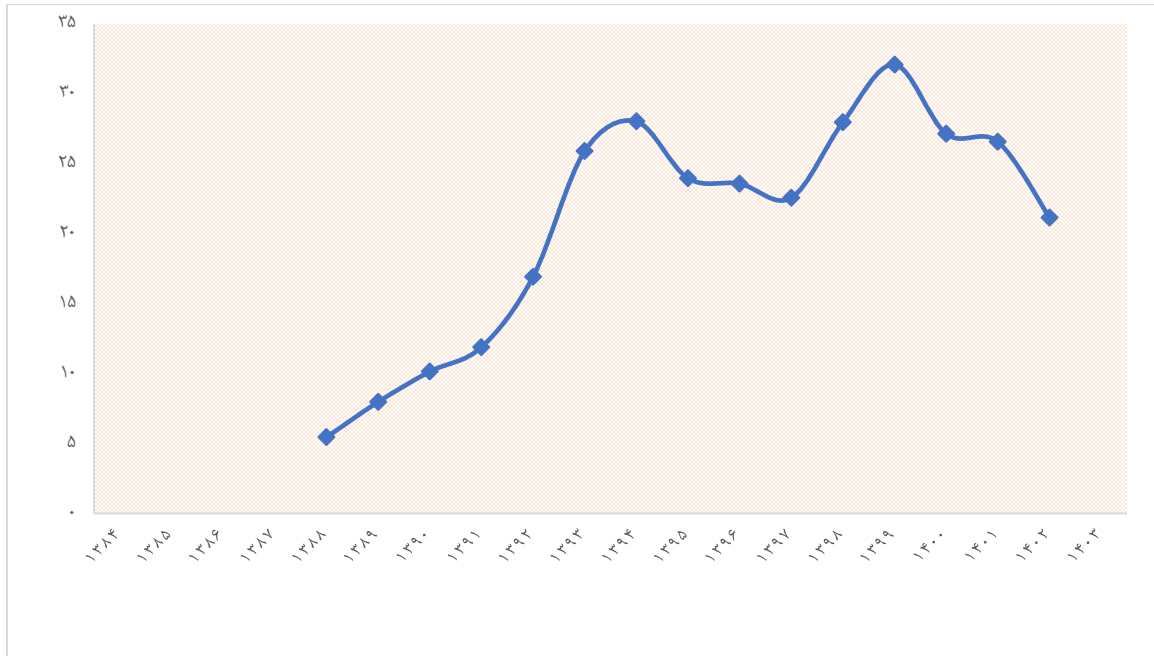
۸.۴. سهم مالیات بر ارزش افزوده از کل درآمدهای مالیاتی

امروزه مالیات بر ارزش افزوده نقش مهمی در اقتصاد کشورها دارد و در بسیاری از کشورها، بیش از نیمی از کل درآمدهای مالیاتی را تشکیل می‌دهد. مالیات بر ارزش افزوده با اثرات سوء اقتصادی کمتر (اثرات قیمتی و توزیعی) در مقایسه با سایر مالیات‌های غیرمستقیم و در عین حال اثرات درآمدی بالا به دلیل گسترده بودن پایه این نوع مالیات بدون تردید می‌تواند به عنوان منبع اصلی درآمد دولت‌ها باشد. نمودار (۱۴) سهم مالیات بر ارزش افزوده از کل درآمدهای مالیاتی را نشان می‌دهد. این نسبت علیرغم روند افزایشی در دو دهه گذشته، در چهار سال گذشته کاهش یافته است.

⁴ OECD

⁵ ارقام تولید ناخالص داخلی و پیش بینی سالهای ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ بر اساس اطلاعات صندوق بین المللی پول اخذ شده است.

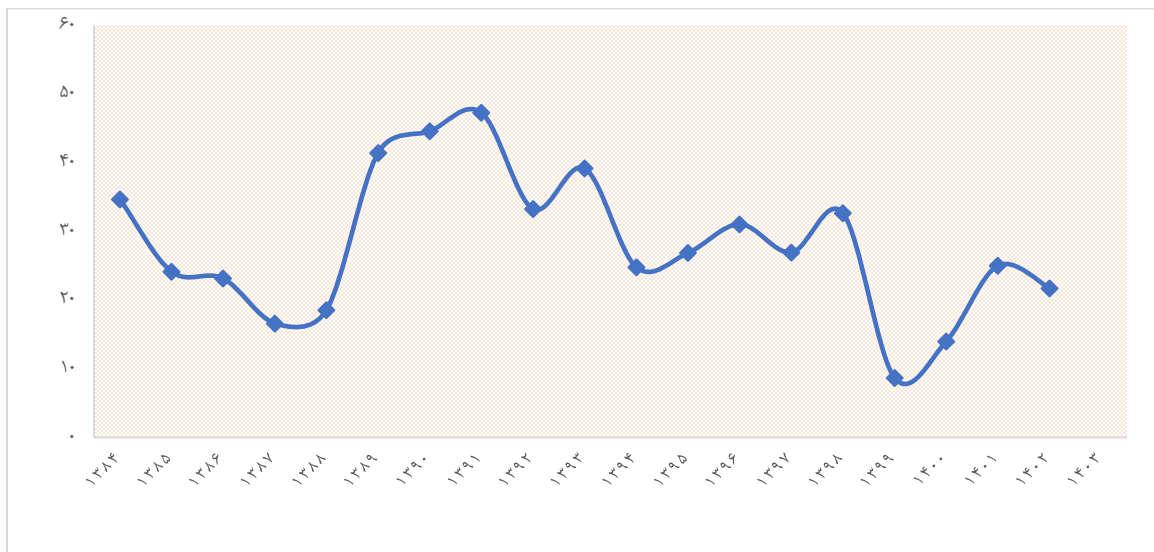
نمودار ۱۴- سهم مالیات بر ارزش افزوده از کل درآمدهای مالیاتی



۹.۴. فروش نفت خام به مجموع پرداخت های هزینه ای و تملک دارایی های سرمایه ای

این نسبت وابستگی هزینه های جاری و عمرانی دولت ها به درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام را نشان می دهد که بیشترین آن در سال ۱۳۹۱ بوده است. شایان ذکر است دلیل کاهش این نسبت در سال ۱۳۹۸ را می توان تشدید تحریم ها و کاهش صادرات نفت عنوان نمود.

نمودار ۱۵- فروش نفت خام به مجموع پرداخت های هزینه ای و تملک دارایی های سرمایه ای



۴.۱۰. جمع بندی

بررسی قوانین بودجه سال های مختلف نشان می دهند که بودجه عمومی کشور در طول دو دهه گذشته روند افزایشی داشته که هم متأثر از متغیرهای اقتصاد کلان همچون نرخ تورم بوده و هم بر این متغیرها تاثیر گذاشته است. حتی روند رشد واقعی بودجه نیز با نوسانات شدید همراه بوده است. تراز عملیاتی که شاخصی برای کیفیت تأمین منابع مالی برای پرداخت هزینه های جاری دولت است در طی دو دهه گذشته به خصوص در چهار سال اخیر منفی بوده است. در تحلیل ناترازی عملیاتی می توان گفت که در روند بودجه دو دهه گذشته معمولاً فروش دارایی های سرمایه ای بخصوص فرآورده های نفتی صرف بودجه عمرانی نمی شود و به جای آن کسری تراز عملیاتی را پوشش می دهد که عمدتاً برای تأمین هزینه های جاری استفاده می شود. همچنین استقراض از طریق فروش اوراق که با جهش های شدیدی همراه بوده است نیز برای پوشش هزینه های جاری و کسری تراز عملیاتی استفاده می شود. در واقع بودجه عمومی دولت وابستگی زیادی به انتشار اوراق و فروش فرآورده های نفتی دارد. در کنار این ناترازی و نوع پوشش این کسری، متأسفانه در بودجه سال های اخیر برای هزینه های عمرانی رشد قابل توجهی پیش بینی نشده است؛ در حالی که مخارج سرمایه گذاری دولت به عنوان موتور محرک رشدهای آتی در شرایط رکود اقتصادی یکی از وظایف مهم و کارکردهای الزام آور در بودجه است، این موضوع چشم انداز مطلوبی از سرمایه گذاری در کشور ارائه نمی دهد. علاوه بر این، اولویت دهی بیشتر دولت به درآمدهای مالیاتی برای تأمین بودجه در طول سال های گذشته افزایش داشته است و این موضوع می تواند به عنوان یک تغییر مثبت در روند بودجه تحلیل شود. علیرغم این تغییر در خصوص درآمدهای مالیاتی، نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در طول دو دهه گذشته حدود ۶ درصد بوده است؛ میانگین این نسبت برای اقتصادهای در حال توسعه و نوظهور ۱۵ درصد و برای اقتصادهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، حدود ۳۴ درصد است. با این حال به دلیل اینکه سهم زیادی از تولید ناخالص داخلی ایران معاف از مالیات بوده بررسی این موضوع بسیار حائز اهمیت است که افزایش درآمدهای مالیاتی از چه بخش ها و گروه هایی از جامعه اخذ می شود؛ چرا که در صورت عادلانه نبودن نرخ و پایه مالیاتی، افزایش درآمدهای مالیاتی می تواند به افزایش ضریب جینی منجر شود و نه تنها باعث توسعه کشور نمی شود، بلکه ضد توسعه نیز عمل خواهد نمود.